



روانشناسی معامله‌گری

مدرس: علی اسفندیاری

کسی که چیزی را به سختی به دست می آورد، به راحتی آن را حفظ می کند.
کسی که چیزی را به راحتی به دست می آورد، به سادگی آن را از دست می دهد.



سؤال:

از هر ۱۰ معامله شما، چند معامله با سود بسته می‌شود؟

محال است تعدادی از معاملات شما به سود نشستہ باشد.
هر باری کہ سود می‌کنید، آمادہ می‌شوید همه ناکامی‌های قبلی را فراموش
کنید و دوبارہ به دل بازار بزنید.
در علم اقتصاد به این موضوع تقویت متناوب گفته می‌شود.

سؤال:

آیا شما برای این کار ساخته شده‌اید؟

این کار برای همه نیست؛ این را باور کنید!
قرار نیست همه از این بازار کسب درآمد کنند.
اگر این کار را انتخاب کرده‌اید،
دلیل کافی‌ای برای این نیست که حتماً به درد شما می‌خورد.
بعضی‌ها دوست ندارند بی هیجان بمیرند
آن‌ها به این کار می‌آیند که خطر کنند، زجر بکشند و تمام پول‌هایشان را ببازند.



تمام قماربازها می‌دانند در نهایت کازینو دارها برنده اصلی‌اند نه آن‌ها!

اما باز هم حاضر نیستند از این عادت دست بکشند.

برنده اصلی در بازارهای مالی کیست؟

سؤال:

چقدر ضرر کردن را دوست دارید!؟

بیایید باهم روراست باشیم:

آدمیزاد موجودی است که همیشه کردارش از مسیر عقل و دانسته‌هایش عبور نمی‌کند.

یادتان باشد، همه از ضرر کردن ناراحت می‌شوند،

اما اشتباه است اگر فکر کنید همه دوست ندارند زیان کنند!

این طبیعت آدمی است که گاهی با پای خود به سراغ کارهایی می‌رود که از آن آسیب می‌بیند.

خاراندن زخمی کهنه که ترکیب متوازی است از درد و لذت، همین حس را دارد!

سؤال:

آیا در این کار، عملکرد شما تا به اینجا خوب بوده؟

ببینید در چه کاری خوب هستید، به همان بچسبید!
منظورم این نیست که لزوماً در کاری خاص بهترین باشید،
اما دست کم به کاری وارد نشوید که در آن بد هستید!
هیچ کس بیش تر از خودتان برای شما دل نمی سوزاند
و البته هیچ کس هم به اندازه شما از قابلیت هایتان خبر ندارد.
نه از حرف کسانی که به بی لیاقتی متهمتان می کنند ناامید شوید،
نه چندان به حرف کسانی اعتنا کنید که به شما اطمینان می دهند از پس این کار برمی آید.

این کار را فقط به دلیل وقت و هزینه‌ای که برایش کرده‌اید ادامه ندهید.

همه‌روزه خیلی‌ها در جهان شغل‌شان را تغییر می‌دهند.

بیش‌تر فکر کنید؛ شاید شما هم یکی از آن‌ها باشید.



سؤال:

یک معامله گر چگونه به بی راهه منحرف می شود؟

هیچ راهی در این تجارت، تنها راه نیست!

هیچ کس نمی تواند برای دیگران نسخه پیچد و سایر فعالان بازار را به پیروی از آن ملزم کند.

راه اصلی، همان است که خود شما برای خودتان انتخاب کرده اید

و کج راهه تنها در فرض سرپیچی از قوانین شخصی خودتان پدیدار می شود.

زیرپا گذاشتن دستورات و قوانینی که خود وضع کرده اید،

درست مثل این است که علیه خود در شیپور جنگ دمیده باشید.

پس با لج بازی و کنترل نکردن احساسات خود، این بازی را سخت تر از آن چه هست نکنید.

تنها یک گام اشتباه و زیرپا گذاشتن اولین قانون

مانند فروریختن اولین مهره بازی دومینو

به تدریج همه چیز را متلاشی می کند.



بازگشتن از مسیر انحرافی، دشوارترین کار در جریان یک پیکار است.





هرجای این تجارت که هستید،
از همین حالا سیستمی منسجم و اجرایی برای خود طرح کنید
و مطمئن شوید آن را موبه‌مو اجرا می‌کنید.
با قاطعیت جلوی نخستین خطای احتمالی بایستید.
اولین اشتباه در این کار، آخرین اشتباه نیست؛
اما بدون تردید، راه را برای انجام آخرین اشتباه هموار می‌کند.

سؤال:

ضرر نکردن مهم‌تر است یا سود کردن!؟

من جزو معامله‌گرهای تدافعی‌ام. یعنی اصل پول برای من اهمیت زیادی دارد.
اصل اولم حفاظت از سرمایه است. ضرر نکردن برای من از هر سودی مهم‌تر است.
برای همین حتی اگر رئیس سازمان بورس بگوید فلان سهم را بخر،
ایکس درصد سود می‌کنی، من تا نفهمم خرید نمی‌کنم.
همیشه از خودم می‌پرسم اگر همین الان بورس بسته شد،
من از اینکه این سهم را دارم، خوشحالم؟



شاید بعضی از سودهای بازار را از دست داده باشم
ولی خیلی از زیان‌های بازار را هم تجربه نکردم.
بازار سهام کازینو نیست. جای یک شبه پولدار شدن نیست.
محل قمار نیست. بازار سهام، حرفه‌ای‌ترین بازار دنیاست.
اگر حاضر نیستید برای آن وقت صرف کنید،
اگر حاضر نیستید مبانی آن را یاد بگیرید،
به خاطر سرمایه‌تان هم که شده، سریع‌تر از آن خارج شوید!

سؤال:

راهکار جلوگیری از معاملات بیمارگونه و پشت سر هم چیست؟

شبکه‌های اجتماعی و کارگزاران، ما را به معاملات بیشتر و بیشتر تشویق می‌کنند و اگر خودکنترلی نداشته باشیم به معاملات پی در پی معتاد می‌شویم.

در پایان هر ماه، وقتی سود و زیان حاصل از سرمایه‌گذاری‌هایت را حساب می‌کنی یک سود و زیان دیگر نیز حساب کن، به این ترتیب که

اگر سهامی را که فروختی، نفروخته بودی و اگر سهامی که خریدی، نخریده بودی وضعیت سود و زیان حاصل از معاملات چگونه بود؟

این روش به تقویت خودکنترلی برای جلوگیری از معاملات بیش از اندازه کمک می‌کند.

سؤال:

بدون وجود نمودار قیمت، یک معامله‌گر روزانه چه خواهد بود؟

دیگر یک معامله‌گر روزانه نخواهد بود؛
اگر شخصی مالک سهام یک کسب و کار عالی است،
کوتاه مدت برایش اهمیتی ندارد
و سهام در بلند مدت بازده خود را نشان خواهد داد.
بررسی لحظه به لحظه قیمت‌ها، به وسواس روحی اغراق شده ختم می‌شود.
این یک فرمول برای دیوانه کردن شماست، تا یک دستورالعمل برای سرمایه‌گذاری موفق

قیمت سهام، در نهایت با توجه به ارزش کسب و کار شرکت تغییر می‌یابد.
این قیمت آینده، با توجه به درآمدهای آینده شرکت پدیدار می‌شود؛
نه با هیجانات قیمتی امروز.

شما به عنوان یک تماشاگر، باید به زمین فوتبال نگاه کنید،
نه به تابلوی اعلام نتیجه.

کیفیت تیم شما در زمین مسابقه، چشم انداز آینده آن را بیان می‌کند.

اگر کسب و کار عالی را بخرید

نمودار قیمت بازار سهام، انتخاب شما را در نهایت تأیید خواهد کرد.
هیجان حال حاضر فروکش خواهد کرد، شرکت‌های قوی پدیدار خواهند شد
و قیمت‌های‌شان افزایش خواهد یافت.

عملکرد شرکت‌ها، نه عملکرد قیمت‌های سهام، را
معیار قضاوت یک سرمایه‌گذاری موفق قرار دهید.

اگر شما یک سرمایه‌گذار هستید، نه یک نوسان‌گیر،
فقط چشم انداز بلند مدت اهمیت دارد.

فیلیپ فیشر:

بازار سهام پر از افرادی است که قیمت همه چیز را می‌دانند
ولی ارزش هیچ‌چیز را نمی‌دانند.

سؤال:

رابطه بین معامله‌گری و محیط فیزیکی شما چیست؟

مشکلات معامله‌گری، اغلب در محیطی که شما در آن زندگی می‌کنید، منعکس می‌شود.
اگر محیط فیزیکی شما به هم‌ریخته است،
به احتمال زیاد معاملات شما نیز به هم‌ریخته است.
لباس مناسب بپوشید تا احساس خوبی نسبت به خود داشته باشید،
زیرا همان‌طور که به انتخاب‌های دیگران در مورد ظاهرشان واکنش احساسی نشان می‌دهید،
در مورد ظاهر خود نیز همین واکنش را نشان خواهید داد.
پس اگر می‌بینید که بدون اصلاح صورت، با لباس خواب و پابرهنه پشت کامپیوتر نشسته‌اید،
ظاهر شما ممکن است منشأ مشکلات معاملاتی شما باشد.



به ندرت معامله گر حرفه‌ای شلخته‌ای با تهریش می‌بینیم که
به نظر می‌رسد نیاز به دوش گرفتن دارد!
آن‌ها معمولاً ظاهری تمیز و با اعتماد به نفس دارند.
مراقبت از ظاهر خود، به ضمیر ناخودآگاه شما می‌گوید که شما
کنترل دنیای خود را در دست دارید و اینکه به خودتان اهمیت می‌دهید
و همچنین نظم و انضباط را در زندگی خود ترویج می‌دهید.

وقتی در آینه فردی را می بینید که به ظاهر خود افتخار می کند
ناخودآگاه شما، این موفقیت را منعکس می کند.
بخشی از زیبا به نظر رسیدن، سلامت جسم و تناسب اندام است.
بنابراین پوشیدن حتی گران ترین لباس ها
این واقعیت را که انتخاب های ناسالم در رژیم غذایی و برنامه ورزشی خود انجام می دهید، پنهان نمی کند.
اگر تناسب اندام ندارید و پوست و موهایتان ناسالم به نظر می رسند،
نمی توانید آن را از آینه پنهان کنید.

هرگز اهداف بزرگ برای خود تعیین نکنید،
زیرا باعث می‌شود که احساس سردرگمی کنید.

موفقیت از موفقیت نشأت می‌گیرد
با موفقیت‌های کوچک شروع کنید.

افکار ما، احساسات ما را تعیین می‌کنند، که به نوبه خود رفتارهای ما را تعیین می‌کنند.
اگر افکار ما منفی، بدبینانه، تحقیر کننده و اتهام زننده است،
احساسات ما تیره، پر از افسردگی، خشم و باعث تحلیل انرژی خواهد بود.

معاملات ما

منعکس کننده آن افکار و احساسات است.
کلمات شما بر احساسات شما تأثیر می‌گذارد
و احساسات شما بر عملکرد شما تأثیر می‌گذارد.

سؤال:

رابطه بین وجود یک زندگی معنوی و آرامش درونی چیست؟

آرامش یا فقدان آرامش

ناشی از وجود یک زندگی معنوی یا عدم وجود آن است.

معامله‌گرانی که وسواس پیدا می‌کنند، آرامش درونی‌ای را از دست می‌دهند

که برای معامله‌گری طولانی و شاد ضروری است.

تمرینی معنوی بیابید که آرامش درونی برای شما به ارمغان بیاورد.

دعا و یا تمرین‌های مراقبه، ابزارهای قدرتمندی برای رسیدن به آرامش شما هستند.

هنگامی که به آرامش درونی دست پیدا کردید،

آثار آن در چهره شما نمایان و در معاملات شما منعکس می‌شود.

از آن جایی که هیچ تمرین معنوی مناسبی برای همه وجود ندارد،
لازم است به دنبال تمرینی باشید که متناسب با نیازها و ارزش‌های شما باشد.



معامله‌گری که به جامعه کمک می‌کند، نسبت به خود احساس خوبی دارد
و به نوبه خود مورد احترام و قدردانی قرار می‌گیرد.
همه این نیروهای مثبت به اعتماد به نفس، عزت نفس و امنیت در چهره او کمک می‌کنند.

سؤال:

رابطه بین معامله‌گری و ارتباط با دیگران چیست؟

ابتدا یک رابطه خوب با خود ایجاد کنید و سپس با قدرت به دیگران کمک کنید.
معامله‌گری که روابط ناآرامی با دیگران دارد، اغلب با خودش رابطه‌ای آشفته دارد،
که معمولاً ناشی از رابطه‌ای آشفته با گذشته‌اش است.
همچنین ممکن است مسائل مربوط به اعتیاد، نگرش‌ها و الگوهای مخرب در فرد وجود داشته‌باشد،
که باید قبل از اینکه معامله‌گر بتواند با روابط خوب رو به جلو حرکت کند، اصلاح شود.
مسائل عمیق و حل نشده، موانع روابط خوب هستند،
که بسیاری از کارهای مورد نیاز برای اصلاح این مشکلات
باید با کمک متخصصان آموزش‌دیده انجام شود،
در غیر این صورت تدابیر استفاده‌شده در التیام زخم‌ها کارآمد نخواهد بود.

اگر مشکل شما عمیق نیست
و صرفاً به دلیل زمان زیادی است که صرف معامله‌گری می‌کنید
و زمان کافی برای زندگی اختصاص نمی‌دهید،
باید راهی برای درگیر شدن پیدا کنید.

هر معامله‌گر منزوی‌ای می‌تواند فرصتی برای ورود
به دنیای تعاملات اجتماعی و دوستی‌ها را به خود دهد.
به شرط اینکه از دنیای کوچک خودش بیرون بیاید و موقتاً به پشت سرش نگاه نکند.

سؤال:

پاسخ بسیاری از مشکلات معاملاتی ما کجاست؟

پاسخ بسیاری از مشکلات معاملاتی ما، درون خودمان است و در آینه پیداست.
ما باید هر روز در مورد نحوه مراقبت از خود، محیط و روابط مان تصمیم بگیریم.
اگر به طور مداوم عاقلانه انتخاب کنیم، نتایج درخشان، هم در آینه و هم در معاملات ما منعکس می شود.
ما همان اعتماد، انرژی و موفقیتی را در معاملات مان خواهیم دید، که در چهره خود می بینیم.
اگر نتوانیم انتخاب های خوب و سالمی را داشته باشیم،
همان نیروهای ضعیف و منفی ای که در چهره ما دیده می شود،
در معاملات ما نمود پیدا می کند.
کمال گرایی استرس ایجاد می کند، اما تلاش برای رسیدن به بهترین نتیجه ممکن،
به شما این امکان را می دهد که به آن برسید.

سؤال:

به طور میانگین روزانه چند ساعت خبر می خوانید؟!

اخبار، برای ذهن همچون قند برای بدن عمل می کند
(ایجادکننده اشتها با هضمی راحت)
و در طولانی مدت به شدت مضر است.
با نخواندن اخبار، هیچ رویداد مهمی را از دست نمی دهید!
مصرف خبر، بیانگر نوعی ضعف در رقابت است.
اگر اخبار به پیشرفت و توسعه افراد کمک می کرد، خبرنگاران در اوج هرم درآمدی بودند،
ولی نیستند!
توجه به خبر، هدر دادن زمان است.
برای فهم جهان، هیچ چیزی جای کتاب را نمی گیرد.

سؤال:

ریشه بسیاری از مشکلات معاملاتی ما کجاست؟

ریشه بسیاری از مشکلات معاملاتی ما، در ندانستن نیست
در عمل نکردن است!
معامله‌گری که کم می‌داند، اما آموخته‌های خود را به کار می‌گیرد،
بسیار جلوتر از معامله‌گری است که زیاد می‌داند،
اما به دانسته‌هایش عمل نمی‌کند.

به دست آوردن سود رضایت بخش، ساده تر از چیزی است که بیشتر مردم تصور می کنند
و به دست آوردن سود عالی، سخت تر از چیزی است که به نظر می رسد.



حتی باهوش ترین سرمایه گذاران نیز احتیاج به نیروی اراده قابل توجهی
برای در امان ماندن از رفتار جمعی بازار دارند.

سرمایه‌گذاری، شکست دادن دیگران در یک بازی با آن‌ها نیست
بلکه کنترل خود در بازی با خود است.

افرادی که سرمایه‌گذاری می‌کنند، برای خود پول کسب می‌کنند
و افرادی که سفته‌بازی می‌کنند، برای کارگزار خود ایجاد درآمد می‌نمایند.



با تشکر از توجه شما

